

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۴

جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای

حسن ملایی*

چکیده

ساخت تمدن نوین اسلام از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از چنان اهمیتی برخوردار است که آرمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. از سویی دیگر، ایشان بر جهت‌گیری همه فعالیت‌های نظام اسلامی به سوی ظهور و حکومت مهدوی تأکیدی ویژه دارد. این نوشتار درصدد بررسی نسبت بین دو مقوله تشکیل تمدن اسلامی و مهدویت در اندیشه ایشان است و افزون بر آن، کارکردهای فرهنگ انتظار برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی را از دیدگاه ایشان واکاوی می‌کند. شیوه پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای است و با روش توصیفی - تحلیلی، در مجموعه سخنان ایشان کاوش می‌کند. بررسی‌ها حاکی از آن است که از منظر امام خامنه‌ای، تمدن‌سازی اسلامی، گامی بلند برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج) به شمار می‌رود و در راستای ایجاد تمدن اسلامی، از فرهنگ انتظار کارکردهای فراوانی می‌توان استخراج کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: امید به تحقق تمدن اسلامی، جهاد و تلاش در مسیر تحقق تمدن اسلامی، اخلاص در جهاد، وحدت و هم‌دلی مردم و مسئولان، نیروسازی و توجه جدی به جوانان برای تمدن‌سازی.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، تمدن اسلامی، امام خامنه‌ای، وظایف منتظران، انقلاب اسلامی.

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم با گرایش مهدویت.

مقدمه

از میان تمام موضوعات ریز و درشتی که پس از وقوع انقلاب حیرت‌انگیز اسلامی در ایران می‌تواند برای مردم ایران مطرح شود، سال‌هاست که انگشت اشاره مقام معظم رهبری بر روی عنوان تمدن اسلامی رفته و در این اواخر بیشتر مطرح شده است. به راستی چرا حضرت ایشان که همچون پدری دل‌سوز و حکیم، دیده‌بان و راهبر امین بزرگ‌ترین انقلاب قرن بیستم است توجه همگان را بر موضوعات خاصی که از جمله مهم‌ترین آنها، پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی است، جلب می‌کند؟ شاید یکی از دلایل آن گذر از مباحث جزئی و لزوم نگاه کلان به انقلاب اسلامی است که بارها و به‌ویژه در جمع جوانان آن را مطرح کرده و فرمودند:

نزدیک به سی سال، گذشته؛ معمولاً در یک چنین دورانی نگاه به یک حادثه - مثل حادثه عظیم انقلاب - یک نگاه همراه با قضاوت و داوری در مورد کارکردهاست. اگرچه در سی سالگی، انقلاب هنوز در عنقوان جوانی است؛ در این شک نیست - نیروی انقلاب بحمد الله خیلی زیاد است، مخصوصاً این انقلاب - لیکن در عین حال در دوره سی ساله وقتی انسان نگاه می‌کند، یک داوری‌ای نسبت به عملکرد و توفیق و کارآمدی برای انسان پیش می‌آید. ما در این داوری باید اشتباه نکنیم؛ و این جز با یک نگاه کلان امکان‌پذیر نیست.^۱

در این جا سؤالی پیش می‌آید و آن این که این نگاه کلان باید به چه چیزی از انقلاب اسلامی معطوف باشد؟ ایشان در همین دیدار به صوت اجمالی و در یک جمله فرمودند:

دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد؛ دنبال آنها برود.

معلوم می‌شود آن چه ما باید مد نظر داشته باشیم و کارآمدی انقلاب اسلامی را با آن ارزیابی کنیم آرمان‌ها و شعارهایی است که از زمان قیام تاکنون مطرح شده است و در یک جمله آن آرمان‌ها را می‌توان تمدن اسلامی بیان کرد، چنان که ایشان این موضوع را از حرف‌های نو و جدید جمهوری اسلامی برای دنیا مطرح نموده و در پاسخ به این پرسش که خط‌کلی نظام اسلامی چیست؟ بیان داشتند:

اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط‌کلی نظام

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح.^۱

آن چه در این نوشتار می‌آید توضیحی بر همین سخن است؛ چرا که ایشان در سخنی دیگر آرمان انقلاب اسلامی را رسیدن به تمدن و جامعه آرمانی مهدوی بر شمرده و فرمودند:

ما امروز در انقلاب خودمان، حرکت‌ها و روش‌هایی داریم. این روش‌ها باید به کدام سمت حرکت کند؟ این نکته بسیار شایان توجه است... غایت، جامعه آرمانی مهدوی است.^۲

رسالت این نوشتار آن است که در تشریح پیوند دو موضوع «مهدویت» و «تمدن‌سازی» در اندیشه مقام معظم رهبری، تعریف و شاخصه‌های تمدن اسلامی، ضرورت بحث از تمدن اسلامی، شاخصه‌های اندیشه مهدویت، جایگاه مهدویت در تمدن اسلامی و در نهایت کارکردهای انتظار موعود را در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای مورد بازخوانی قرار دهد.

تعریف و شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

هرگاه سخن از تمدن نوین اسلامی می‌شود به خاطر برداشت‌های مختلف و احیاناً غیراسلامی و غربی که ممکن است از آن بشود باید تعریفی از آن ارائه داد؛ این نکته از اندیشه مقام معظم رهبری که در حقیقت مبتکر این موضوع در سال‌های اخیر هستند دور نمانده است؛ ایشان در همین باره فرمودند:

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این.^۳

روشن است در دنیای کنونی که افکار و تعاریف غربی درباره مقوله تمدن وجود دارد بیان این تعریف می‌تواند از سوء برداشت‌های احتمالی جلوگیری کند، اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا در همان سال‌های ابتدایی طرح این موضوع برخی از به اصطلاح روشنفکران در

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶/۴/۱۳۵۹.

۳. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲.

اصل این‌که بشود در فضای دینی، از تمدن بحث کرد، تردید نموده و چه بسا از ممکن نبودن طرح آن در فضای دین خبر دادند؛ جالب این است که ایشان با اشراف بر این موضوع طرح عدم همگونی تمدن با تدین را علاوه بر آن‌که از حرف‌های قدیمی و برخاسته از عملکرد اشتباه کلیسا در قرون وسطا دانستند بر تطبیق تمدن و تدین اصرار ورزیده و در تبیین این مطلب چنین فرمودند:

شما عزیزان بدانید این حرفی که تمدن و تدین باهم تطبیق نمی‌کنند، جزو آن حرف‌هایی است که خیلی کهنه و قدیمی است و اصلاً حرف امروز نیست. زمانی اروپایی‌ها با دینی که داشتند دین مسیحیت تحریف شده کلیسای قرون وسطا با نشانه‌های تمدن مواجه شدند؛ بدیهی است که آن تدین، اصلاً با آن تمدن تطبیق نمی‌کرد. آن تدین، تدینی بود که اگر کسی گالیله می‌شد، حتماً باید سوزانده شود! اگر کسی یک کشف جدید می‌کرد، حتماً بایستی نابود و تکفیر می‌شد! اصلاً بحث تدین و تمدن که باهم تطبیق نمی‌کند، مربوط به آن دوره است، آن هم مربوط به اروپا؛ منتها همچنان که اروپایی‌ها همه چیز خودشان را البته چیزهای زیاد و بد، نه چیزهای خیلی خوب عمداً به کشورهای تحت سلطه استعماری منتقل می‌کردند، این فکر را هم به تدریج با شیوه‌های خیلی موزیانه، به داخل جامعه ما منتقل کردند؛ ... تدین و تمدن، چرا باید باهم منافاتی داشته باشند؟ تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا این‌ها باهم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کمالین که خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند؛ خیلی از پیش‌روان همین تمدن کنونی اروپا هم البته عمداً در دوره‌های بعدی متدین بودند.^۱

معظم‌له برای تبیین این مقوله تنها به ارائه تعریف تمدن اکتفا نکردند، بلکه برای عدم اختلاط برداشت‌های غربی با برداشت اسلامی، شاخصه‌های تمدنی مورد نظر اسلام را این‌گونه شمرند:

شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص

۱. گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۴/۱۱/۱۳۷۶.

شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، درگسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانک‌داری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.^۱

ایشان بر عناصری چون: «نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند»^۲ و همچنین «پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است»^۳ تأکید ورزیدند.

نکه بسیار مهمی که در تعریف ایشان در مقوله تمدن پیداست همراهی پیشرفت مادی و معنوی در جامعه اسلامی به منظور بسترسازی امکان رشد در همه افراد است که بارها در سخنان معظم‌له شنیده شده است و به همین علت، بر رشد معنوی جامعه به عنوان خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی و عامل ممتازکننده آن از تمدن مادی‌گرای غرب تأکید نموده و فرمودند:

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد؛... در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. این‌جاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم. تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روش‌های پیچیده مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه معنوی روز به روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زوددسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد. تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۹/۲/۱۳۹۲.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۹/۴/۱۳۹۰.

همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر.^۱

این نکته در فهم ارتباط وثیق تمدن اسلامی ایرانی با تمدن جهانی مهدوی کمک فراوانی به ما خواهد نمود.

ضرورت بحث از تمدن اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

پس از مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی سؤال مهم دیگری وجود دارد و آن این پرسش است که اساساً چه ضرورتی در گفت‌وگو از ساخت تمدن نوین اسلامی احساس می‌شود که معظم له را به توجه دادن همگان - اعم از مردم و مسئولان و نخبگان - به مقوله تمدن اسلامی مصر نموده است؟ برخی از دلایل ضرورت طرح تمدن جدید اسلامی از نظر رهبر معظم انقلاب عبارتند از:

۱. تمدن اسلامی پاسخ‌گوی نیاز جامعه بشری

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند و برای برآوردن خواسته‌ها و نیز رشد همه جانبه وجودی خود نیازمند حضور در جامعه هستند و البته در صورتی که آن جامعه، با قوانین صحیح اداره شده و افراد آن بر اساس قواعد درست با هم ارتباط داشته باشند چنین جامعه‌ای زمینه مناسبی برای تعالی انسان خواهد بود.

آنچه از بررسی اجمالی اندیشه تمدنی ایشان بر می‌آید آن است که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، اهمیت این موضوع را از منظر جایگاه داشتن هدف و آرمان در زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند کما این که در یکی از بیانات خود که به بحث تمدن اسلامی می‌پردازند به صراحت این نکته را بیان می‌کنند که: «آرمان‌های بلند اسلامی که برای بشر یک نیاز حتمی و ضروری و حیاتی است... نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی و اسلامی». ^۲ همان گونه که مشاهده می‌شود در این سخن ایشان به یک میل و نیاز عمومی همه انسان‌ها که همانا آرمان‌ها و آرزوهایش هست اشاره می‌کنند اما در همین راستا و در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای اکتفا نمودن به مفهوم تمدن در راستای نیازهای جامعه انسانی کافی نیست زیرا شیادان و راهزنان زیادی در طول تاریخ بوده‌اند که برای کسب منافع خود از این امر سوء استفاده کرده و جنس قلابی خود را به عنوان تمدن، بر بشریت قالب کرده‌اند که آخرین و فریبنده‌ترین آنها تمدن

۱. بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰/۸/۱۳۸۵.

۲. بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر، ۱۳۹۱/۶/۲۷.

مادی و فاسد غربی است که حاصل آن بحران تمدنی جهانی در عصر حاضر است. بنابراین علاوه بر توجه مفهومی باید مصداق عینی و درست آن نیز بیان شود. در همین راستا است که ایشان تمدن اسلامی را بر اساس مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی صحیح، همان نسخه اصلی و پاسخ‌گو به این نیاز طبیعی جامعه بشری معرفی می‌کند.

۲. تحقق تمدن اسلامی راه نجات از تمدن ظالمانه غربی

اگر تا دیروز شعارهای فریبنده و مظاهر چشم‌نواز تمدن غرب دل‌های زیادی را به خود جلب می‌کرده است و مردم نقاط مختلف دنیا در صدد بودند که سر تا پای خود را مطابق آن چه که تمدن مادی غرب اقتضای آن را دارد انجام دهند، اما امروز مردم دنیا به تدریج تو خالی بودن این تمدن را حس می‌کنند. انواع مشکلات اقتصادی و اخلاقی و سیاسی که امروزه کشورهای به اصطلاح متمدن غرب با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و فروپاشی خانواده‌ها و افزایش روزافزون فقر و فساد اخلاقی که گزارش آن هر از گاهی در جهان منتشر می‌شود گویای آن است که تمدن غرب از حالت فعال به انفعال کشیده شده و در حال سقوط و نابودی تدریجی است. مقام معظم رهبری در بیانی حکیمانه این روند تلخ تمدن غربی را این‌گونه تشریح می‌کنند:

اتفاق دیگری که در حال رخ دادن است - که آن هم عمدتاً به دست آمریکایی‌ها و بعضی همکارانشان است - این است که تمدن غرب، حقیقت و هویت خود را نشان می‌دهد و تجربه‌ای برای بشریت به وجود می‌آورد. جنگ‌ها تمام می‌شوند، اما تجربه‌ها می‌مانند. حوادث بزرگ، برای ملت‌ها درس دارند. این درس در سینه و حافظه زوال‌ناپذیر بشریت خواهد ماند که تمدنی با این زرق و برق و با این همه ادعا، این‌طور در بوتۀ امتحان، ناموفق از آب درآمد. در کاری که این‌ها می‌کنند، جنگ‌افروزی و ظلم و بی‌عدالتی و غرور و سرمستی و رفتارهای غیر خردمندانه وجود دارد. به راه انداختن جنگ، تهدید کردن صلح، کشتن مردم بی‌دفاع، مصرف کردن سرمایه‌های زیاد برای آتش‌افروزی، آن هم به یک بهانه غیر قابل اعتماد؛ این‌ها تجربه‌های یک تمدن است. این را شما تطبیق کنید با تمدن اسلامی که وقتی در زمان خلفای راشدین، مسلمان‌ها مناطق غرب دنیای اسلام - یعنی مناطق روم و سوریه فعلی - را فتح کردند، با یهودی و مسیحی‌شان چنان رفتاری کردند که بسیاری از آن‌ها به خاطر رفتار مسلمانان به اسلام گرویدند. در همین کشور ما، ایران، بسیاری از مردم بدون مقاومت تسلیم شدند؛ چون مرورت و رحمت و مدارای مسلمان‌ها را با دشمنان مشاهده کردند. بنابراین خودشان آمدند مسلمان شدند. در روم - آن چنان که در تاریخ نوشته شده است - وقتی مسلمان‌ها آمدند، یهودی‌ها گفتند: «و التوراة»؛ قسم به تورات، ما در طول زندگی خود، مثل امروز، روز خوشی را ندیده بودیم.

حکومت مسیحی بود و بر آن‌ها ستم روا می‌داشت؛ وقتی اسلام آمد، عطفوت اسلامی را احساس کردند. این‌هاست که در تاریخ می‌ماند؛ این‌هاست که جهت‌گیری تاریخ را مشخص می‌کند؛ این‌هاست که ماندگاری یک فکر و تمدن و فرهنگ را تضمین می‌کند.^۱

حال که چنین است و مردم دنیا روز به روز نسبت به تمدن حقیقی و زندگی توأم با اخلاق و معنویت و عدالت احساس عطش می‌کنند چه نسخه‌ای را می‌توان ارائه کرد تا بشریت از زیر فشار استخوان شکن فرهنگ و تمدن غرب خود را خلاص کند؟ مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال جهانی می‌فرماید:

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غرب‌اند، باشد.^۲

البته این بدان معنا نیست که اکنون نسخه آماده و به روز شده‌ای از تمدن اسلامی در اختیار ماست؛ بلکه ما ذخایر عظیم و پشتوانه بی‌مانند ساخت یک تمدن جدید را داریم اما باید برای آن تلاش کرد و لذا به همین علت است که بارها همگان را به جدی گرفتن ساخت تمدن اسلامی فرا خواندند و علاوه بر آن که خطاب به مردم و مسئولان جمهوری اسلامی فرمودند:

آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی که این اهداف و آرمان‌ها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد.^۳

اما مسئله را به این جا ختم نکرده و در بیانات خویش در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، تمام امت اسلامی را به تلاش با هدف ایجاد این تمدن فرا خوانده و فرمودند:

امت اسلامی با همه ابعاض خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد.^۴

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۸۰/۷/۲۳.

۲. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۹/۲/۱۳۹۲.

۳. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴/۶/۱۳۹۲.

۴. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۹/۲/۱۳۹۲.

جایگاه مهدویت در تمدن اسلامی از نظرگاه مقام معظم رهبری

از آن چه تاکنون در باب تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در زمان کنونی بیان شد یک نکته مهم در اندیشه امام خامنه‌ای به دست می‌آید و آن لزوم تلاش برای برپایی تمدن اسلامی در پاسخ‌گویی به عطش جهانی است؛ زیرا مردم دنیا از وضعیت اسف‌بار کنونی خسته و به دنبال وضعیتی مطلوب و مورد دل خواه هستند تا در آن فضا رشدی همه‌جانبه پیدا کنند و حال که چنین است باید با در نظر گرفتن نقطه مطلوب که همان آینده روشنی برای بشریت و تأمین کننده نیازهای حقیقی انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال است به سوی آن حرکت کرد. این آینده روشن برای بشریت در اندیشه مقام معظم رهبری، همان تمدن اسلامی است که مصداق کامل آن در زمان ظهور و تشکیل حکومت و تمدن جهانی مهدوی خواهد بود و از آن تعبیر به مهدویت نیز می‌شود؛ در این باره سخنان ارزنده‌ای از ایشان در مناسبت‌های گوناگون ایراد شده است. ایشان ضمن آن که امید به چنین آینده‌ای را از آموزه‌های همه ادیان و مذاهب اسلامی برشمردند و فرمودند:

اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم.^۱

در سخنی دیگر، ضمن تشریح روشن و عینی وضعیت نابسامان کنونی جامعه جهانی و تطبیق آن بر پیش‌بینی‌های امامان معصوم در عصر غیبت امام زمان (عج) موضوع انتظار فرج از بشریت را مطرح و مصداق عینی آن را مهدویت شیعی دانسته و فرمودند:

مسئله، مسئله گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلوة و السلام) برای این که فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آن چه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه می‌شوند، انسان‌های بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است. امروز شما به اوضاع دنیا

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

نگاه کنید، همان چیزی که در روایاتِ مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد که «یملأُ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ همچنانی که یک روزی همه عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگارانِ ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همان طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه ظلم، غلبه اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوان اند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیون‌ها انسانی که در نظام‌های طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه سيطرة ظلم و جور بر دنیا است. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا می‌کند. امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد.^۱

بنابراین در منظر ایشان مهدویت همان چشم‌انداز نهایی و نقطه مطلوب حرکت به سوی ساخت تمدن اسلامی است؛ چنان که فرمودند:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.^۲

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۲۷/۵/۱۳۸۷.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

دانستن این مطلب از آن جهت ضروری است که همگان باید در برنامه‌ریزی خود آن نقطه یعنی ظهور امام زمان و تشکیل تمدن جهانی اسلامی به دست امام زمان را هدف قرار داده و در طرح‌ریزی خود از آن الگو استفاده کنیم؛ این نکته تصریح معظم‌له است:

به آینده روشن بشریت اعتقاد داریم و ویژگی‌های اجمالی این حکومت نیز برای ما به وضوح روشن است. با برخورداری از این شناخت است که ما خود را برای تحقق آن آماده می‌سازیم و اعتقاد داریم که باید حرکتیمان با الهام از این الگوی ارزنده در جهت تشکیل و تحقق آن باشد.^۱

بنابراین صحبت از تمدن‌سازی اسلامی و طرح و برنامه برای آن، بدون اعتقاد و آگاهی از فرهنگ مهدویت امکان‌پذیر نخواهد بود.

کارکردهای انتظار ظهور در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از نظرگاه امام خامنه‌ای

تحقق تمدن اسلامی کار آسانی نیست، بلکه نیازمند فراهم بودن مقدمات و پشتوانه‌هایی است تا در پرتو آن بتوان به این آرمان بلند و مقدس که زمینه‌سازی ظهور تمدن بزرگ اسلامی به دست حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} است جامعه عمل پوشاند. فرهنگ مهدویت و انتظار، علاوه بر افق عالی و چشم‌انداز کلان در زمینه تمدن‌سازی، از کارکردهای فوق‌العاده‌ای نیز تا رسیدن به این هدف متعالی برخوردار است که برخی از مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

۱. امید به تحقق تمدن اسلامی

از اولین لوازم ساخت تمدن، امید به تحقق آن است؛ زیرا تا امید نباشد حرکتی برای ساختن آن صورت نخواهد گرفت. یأس از رسیدن به این قله از بزرگ‌ترین موانع این راه است و انسان‌ها و جوامع مأیوس هرگز نخواهند توانست به آرمان‌های خود برسند؛ این نکته از نگاه تیزبین مقام معظم رهبری دور نموده است و ایشان بارها نه تنها بر لزوم امیدواری تأکید نموده‌اند، بلکه با بیان دلایل و شواهد گوناگون، سعی در القای منطقی بودن این امید در دل‌ها و جان‌های مردم مسلمان ایران داشته‌اند؛ ایشان در یکی از بیانات خود در زمینه تمدن اسلامی و امکان تحقق آن فرمودند:

شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۱/۲۱.

معنوی ای است... تجربه نشان داده است که اینها همه، کارهای ممکن و در دسترس تواناییهای جوامع ماست. نباید با نگاه شتاب‌زده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدبینی به توانایی‌های خود، کفران نعمت الهی است و غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ»^۱ است. ما می‌توانیم حلقه انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرتهای سلطه‌گرا بشکنیم و امت اسلامی را پیش‌رو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم.^۲

در این سخن اعتقاد به وجود پشتوانه‌ای عظیم الهی را بهترین عامل امید برای تمدن‌سازی بیان داشتند.

امام خامنه‌ای در سخنی دیگر، وقوع تمدن اسلامی و سیطره جهانی آن در قرون اولیه ظهور اسلام را یکی دیگر از دلایل امکان تحقق دوباره آن در عصر حاضر شمرده و بیان داشتند:

پدیده‌ای در تاریخ اتفاق افتاده که اگر ما بخواهیم آن را براساس معادلات معمولی تاریخی حل کنیم، حل آن محال است و آن این که، ملتی که در دورانی از اوّلیات تمدن بشری محروم بوده، بنایی را پی‌ریزی کرده که بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری را به وجود آورده و آن، نهضت اسلامی است. تمدن را چه کسانی به وجود می‌آورند؟ تمدن یونان و رُم قدیم، که اروپای امروز در اواخر قرن بیستم هنوز به آن می‌نازد و در تاریخ و تفسیرهای علمی خود، آن را به رخ همه می‌کشد، هر قدمش مترتّب بر قدم‌های قبلی بوده است. مگر یک تمدن عظیم، همین طوری از یک کویر می‌جوشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! اما در مورد اسلام، چنین شد. عده‌ای که حتی سواد خواندن نداشتند؛ چه رسد به این که سواد داشتن به خواندن کتاب‌های گوناگون و به پیدا کردن نظر علمی منتهی شود و بعد این نظر علمی در مسابقه بین نظرات علمی بشر رتبه بالاتر را پیدا کند، تمدنی عظیم را پی‌ریزی کردند.^۳

با این مقدمه باید اذعان نمود که یکی از عوامل ایجاد روح امید در زمینه حرکت در مسیر تمدن‌سازی از منظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ انتظار است. در اندیشه ایشان، فرهنگ چشم‌انتظاری موعود امت‌ها در خود پتانسیل فراوانی برای تزریق روح امید در امت‌ها دارد که این که در این باره بیان داشتند:

اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدّس مهدی موعود - ارواحنا فداه - امید را در دل‌ها زنده

۱. «به خدا گمان بد برده‌اند» (فتح: ۶).

۲. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۹/۲/۱۳۹۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۱۳۷۳.

می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، نا امید نمی‌شود؛ چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی، وجود دارد... سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.^۱

ایشان همچنین در مقابله با اندیشه‌ای که تزریق کننده یأس در ملت‌هاست فرمودند:

مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند و آنها را از این‌که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم نخیر، می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه تنها این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم نوشته است.^۲

بنابراین باورداشت مهدویت و خصوصیت انتظار امام زمان علیه السلام گنجینه‌ای است که ترویج و نهادینه‌سازی آن در میان اقشار جامعه مساوی با ایجاد حس امید بوده و همین حس مبارک، آغازی بر تلاش مستمر برای ساخت تمدن اسلامی خواهد بود. مقام معظم رهبری با تکیه به چنین پشتوانه عظیمی است که با صلابت و قاطعیت اعلام کردند:

کسانی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور آیه یأس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین، بلکه اساس معنویت و دین‌داری را در برابر هجوم تمدن غرب، ازدست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر برافراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند و با زبان و دل تصدیق می‌کنند. من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

بَعْدَ ذَلِكَ فَأَوْلِيكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱

ایشان در ادامه همین سخن وقوع انقلاب پرشکوه انقلاب اسلامی و تأثیر‌گزاری آن بر جهان را علامتی بر تحقق این وعده الهی شمرده و فرمودند:

نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر برآوردن این پدیده معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آن‌گاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد. هرچه زمان گذشته، این استحکام - به حول و قوه الهی - بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است. در طول سه دهه‌ای که بر این ماجرا می‌گذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه این هم‌آوردی پیروزمندانه است.^۲

۲. جهاد و تلاش در مسیر تحقق تمدن اسلامی

پس از عنصر امید، جهاد و تلاش، مقدمه لازم دیگری در راستای دستیابی به تمدن اسلامی است؛ زیرا که سنت الهی در دنیا بر این امر تعلق گرفته است که «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ «برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» (نجم: ۳۹) و با کسالت و تنبلی نمی‌توان به مقصود رسید. رهبر انقلاب فرمودند:

همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بی‌کاری و بی‌کارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ آخَلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ»^۳ این نباید بشود.^۱

۱. «خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برای‌شان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند. و هر کس پس از آن به کفرگراید آنان اند که نافرمان اند» (نور: ۵۵).

۲. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.

۳. «آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟» (ابراهیم: ۲۸).

جهاد بنای جامعه اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آن چه که در غیر از سبک زندگی بحث می‌کنیم، همه شکل‌ها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌هاست - اینها هر کدام یک جهاد است.^۲

آن چه که تذکر آن در فهم سخن مقام معظم ضروری به نظر می‌رسد تبیین واژه جهاد در نظر ایشان است که حتی با سعی و تلاش متفاوت است؛ ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس.^۳

معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه مبارزه وجود دارد... پس جهاد یعنی مبارزه. در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی این که در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد... دوم این که در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آن جا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است... اگر همه این‌ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم‌السلام باشد می‌شود جهاد فی سبیل الله.^۴

بنابراین طبق نظر امام خامنه‌ای چهار عامل مهم در تبیین مفهوم جهاد از دیدگاه اسلام وجود دارد: اول. داشتن هدف والا؛ دوم. تلاش، کوشش و تحمل سختی در راه رسیدن به آن هدف؛ سوم. تلاشی که در مقابل موانع و دشمن و هجوم اوست؛ چهارم. انجام این تلاش فی سبیل الله و به نیت امتثال تکلیف الهی و کسب رضای خدا.

حال که معنای دقیق جهاد در منظر رهبرانقلاب و اکاوی شد باید بگوییم: فرهنگی که می‌تواند چنین روحیه‌ای را به مردم و مسئولان نظام اسلامی تزریق کند؛ طبق متون دینی و مهدوی، فرهنگ مهدویت و انتظار است زیرا اگر سخن پیامبر عظیم الشان اسلام را شنیده‌ایم که فرمود: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عز و جل» (صدوق، ۱۳۹۷: ج ۲، ۶۴۴)، اما جالب این است که همین وجود شریف در حدیث دیگری درباره انتظار فرج، قالب این عمل را جهادی معرفی نموده و می‌فرماید: «أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷). از

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار با شاعران، ۱۳۹۲/۱/۵.

۳. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱.

۴. سخنرانی در شروع درس خارج فقه، ۱۳۷۳/۶/۲۰.

همین‌روست که در اندیشه‌های مهدوی مقام رهبری نیز بین انتظار و جهاد تلازم و همراهی وجود دارد و به فرموده ایشان:

ایمان و اعتقاد به امام زمان علیه السلام مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می‌کنند.^۱

بنابراین کسانی که سودای تحقق نوین اسلامی در سر می‌پرورانند نباید از کارکردهای عظیم مهدویت و فرهنگ انتظار که روح مبارزه و جهاد را در مخاطب خود می‌دمد غافل شوند.

۳. اخلاص در جهاد و تلاش برای تمدن‌سازی

در آیین اسلام صرف تلاش و اعمال نیکو برای رشد و تعالی کافی نیست، بلکه علاوه بر نیکویی و حسن عمل، نیت نیکو و خالصانه نیز باید داشت که ما بدان امر شده‌ایم:

﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾؛ (زمر: ۱۱)

بگو: من مأمورم که خدا را - در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام - بپرستم.

جهاد برای ساخت تمدن نوین اسلامی نیز از این مقوله جدا نیست که اگر این جهاد با اخلاص همراه باشد آن قدر کیفیت چنین عملی، پراثر خواهد بود که حتی مقدار کم آن نیز در برکات زیادی خواهد داشت که رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

أخلص دينك يكفك القليل من العمل؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۷۴)

دینت را خالص کن که عمل اندک نیز تو را کافی است.

مجموعه این معارف باعث شده است تا رهبر معظم انقلاب ضمن توجه دادن به اصل عمل جهادی در مسیر تحقق تمدن اسلامی از کیفیت خالصانه آن نیز غفلت ننموده و بفرمایند:

اسلام یک درس را به مسلمین تعلیم کرد و آن درس هر روز که در بین مسلمین باشد، نتیجه‌اش درخشش و تَلَأُ و عَلُوّ معنوی و مادی است. آن درس درس مجاهدتِ خالصانه و مخلصانه است. هر جا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه‌اش درخشش و تَلَأُ خواهد بود. منتها مجاهدت خالصانه و مخلصانه، ممکن است برای خدا انجام گیرد، ممکن هم هست برای غیر خدا انجام گیرد. اگر برای خدا انجام گرفت، همیشگی، ماندگار و زایل ناشدنی است؛ اما اگر برای غیر خدا انجام گرفت، ماندگار نیست. ممکن است یکی

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۷۴.

عاشق کسی باشد؛ خالص و مخلص برای او حرکتی را انجام دهد. یا عاشق میهن خود باشد؛ خالص و مخلص برای میهنش حرکتی را انجام دهد. این‌ها ماندگار نیست و تا وقتی است که این هیجان و احساس در او باشد. به مجرد این که احساس او یک ذره سرد شد، چشمش باز می‌شود و به خود می‌گوید که آیا من بروم بمیرم تا فلان کس بخورد گردنش کلفت شود؟! اما اگر برای خدا باشد، این‌طور نیست. هر قدر دقت عقلانی انسان بیشتر شد، مجاهدتش بیشتر خواهد شد. برای این که می‌داند «مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۱ آن چه که برای خدا دادیم می‌ماند؛... اگر انسان راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، آن وقت می‌بینید که این عشق به کار، چقدر کار را آسان خواهد کرد. تمدن اسلامی، این‌گونه به وجود آمد.^۲

ایشان در بیانی دیگر و ضمن پیوند انقلاب اسلامی با ظهور امام زمان علیه السلام به تجلیل از حضرت امام خمینی علیه السلام پرداخته و یک از عوامل اصلی موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام را اخلاص فوق العاده ایشان معرفی کرده و می‌فرماید:

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (أرواحنا فداه و عجل الله فرجه)، به وسیله ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است؛ این، آن چیزی است که دنیای مادی نمی‌خواست آن را باور بکند... امام و معلم بزرگ این ملت آن انسان استثنایی زمان ما؛ آن رهبر فوق العاده‌ای که تاریخ ما در این قرون اخیر نظیرش را مشاهده نکرده است؛ آن انسان والا با آن اخلاص فوق العاده راهی را پیش پای مردم ما گذاشت؛ خدای متعال هم تفضل کرد؛ دست عنایت ولی عصر هم بحمد الله همواره با این ملت بوده و به آن‌ها کمک کرده و این آگاهی در ملت ما به وجود آمده است.^۳

حال که چنین است و در ساخت تمدن اسلامی، کار و تلاش مخلصانه از لوازم اصلی آن محسوب می‌شود، باید به دنبال فرهنگی بود که این نیاز را تأمین کند و فرهنگ انتظار ظهور امام زمان علیه السلام از بهترین منابع دستیابی به این گوهرگران مایه است. چگونه چنین نباشد در حالی که:

وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید

۱. «آن چه پیش شماست تمام می‌شود و آن چه پیش خداست پایدار است» (نحل: ۹۶).

۲. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۱۳۷۳.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سال روز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.

خودمان را به این امور نزدیک کنیم.^۱

چرا که همین عامل سبب شده است تا در نوشته منسوب به امام زمان علیه السلام که خطاب به شیخ مفید بوده در ضمن عنایت و تجلیل از ایشان، یکی از القاب وی را «المخلص فی الدین» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۷) قرار دهند. بنابراین چه بجاست که ما نیز همچون امام سجاد علیه السلام در هفتمین مناجات از مناجات خمسه عشر ایشان دست به دعا برداریم و عرضه بداریم:

وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ وَهَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ وَأَخْلِصْ نِيَّتَنَا فِي مُعَامَلَتِكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۹۱، ۱۴۷)

پروردگارا! جهاد ما را در راه خودت و تلش ما را در مسیر اطاعتت قرار ده و نیت ما را در معامله با خود خالص گردان.

۴. وحدت و همدلی مردم و مسئولان

ساخت بنای عظیم تمدن اسلامی امری نیست که به وسیله یک یا چند فرد و یا حتی حکومت انجام شود. محقق شدن این آرمان بدون شک نیازمند عنایت ویژه خداوند عالم هستند و نزول این رحمت خاص مستلزم همراهی و همدلی همه مردم و دولتمردان منتظر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام خواهد بود که به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام:

الرُّمُؤُا السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَمِّ لِلذَّبِّ؛ (شریف رضی، ۱۴۰۴: ۱۸۴، خ ۱۲۷)

با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است، و از تفرقه و جدایی بپرهیزید، که یک سو شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسفند دور مانده از گله نصیب گرگ است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با درک عمیق از این مطلب بوده که نه تنها در مناسبت‌های گوناگون به لزوم وحدت همگانی تأکید نموده‌اند، بلکه در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نیز مردم و مسئولان را به هم‌دلی فرا خوانده و تصریح فرمودند:

اگر ملت ایران، همچنان که بحمد الله تاکنون بوده است و بعد از این هم به فضل الهی همین‌گونه خواهد بود، وحدت ارزشمند و آگاهی و هوشیاری و پیوند و رابطه مستحکم خودش با مسئولان را حفظ کند و به فضل پروردگار، همواره در سطوح بالای این نظام،

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

مسئولان شایسته‌ای به خدمت مشغول باشند، نظام مقدّس جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های تمدّن اسلامی را در این کشور؛ بلکه در همه کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی، مستحکم کند.^۱

اگر مقوله وحدت و همدلی به عنوان پشتوانه تلاش برای ساخت تمدن اسلامی تا این حد مهم است باید به دنبال راهبردی برای تحقق این مطلب بود و انتظار ظهور، از بهترین راهبردها برای ایجاد و تقویت وحدت و همدلی در این مسیر است؛ زیرا منتظران امام زمان علیه السلام ضمن آشنایی با معارف مهدوی، یکی از رازهای غیبت امام عصر علیه السلام را فقدان و یا کمبود این عنصر حیاتی خواهند یافت؛ چرا که حضرتش فرمود:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۹)

چنان چه شیعیان ما- خدا به طاعت خود موفّقشان بدارد- قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می‌رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ماست، بنابراین هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان به ما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.

با این توضیح و درک شرایط حساس این دوران و تلاش برای تمهید ظهور با تمدن‌سازی اسلامی است که امام خامنه‌ای در پیامی که به کنگره عظیم حج و خطاب به همه حج‌گزاران داده‌اند فرمودند:

امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد و یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیت‌های جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه مستکبران، رنگ باخته و نیت پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج، آشکار شده است و از سوی دیگر، جهان‌خواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می‌پروراندند، از بیداری و وحدت امت اسلامی بیمناکند و آن را سدّی در برابر سیل ویرانگر نقشه‌های خود می‌شمرند و در تلاش برای

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۶/۲/۱۳۷۶.

پیش‌دستی و پیش‌گیری از آن‌اند. امروز، روز اخوت عملی در همه عرصه‌ها و در برابر همه فتنه‌ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی عج است. روز اجابت دعوت الهی در همه زمینه‌ها است. روزی است که باید آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و آیه «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»^۱ و آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۲ را بار دیگر بر دل‌های خود تلاوت کنیم.^۳

۵. نیروسازی برای تمدن‌سازی

یکی دیگر از عناصر فوق‌العاده مؤثر در تدوین و تحقق تمدن اسلامی، وجود نیروهای کارآمدی است که در این مسیر بتوانند هرکدام با مسئولیت‌پذیری و به تناسب توانایی‌های خویش، عهده‌دار بخشی از ساختن بنای عظیم تمدن اسلامی شوند؛ این همان کاری بود که در صدر اسلام نیز به وسیله پیامبر اکرم ص انجام شد؛ به تعبیر مقام معظم رهبری:

بیست و سه سال، زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت. در مکه اول با پنج نفر و ده نفر و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت معدودی در زیر فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند. ستون‌های مستحکمی ساخته شد برای این که جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستون‌ها قرار بگیرد. بعد هم خداوند متعال شرایطی را پیش آورد که پیغمبر توانست به مدینه هجرت کند و این نظام و این جامعه را به وجود بیاورد و این تمدن را پی‌ریزی کند. همه مدتی هم که پیغمبر اکرم این نظام نوپا را پرداخت، ساخت، آماده کرد و پیش راند، ده سال شده است؛ یعنی یک مدت کوتاه. یک چنین حوادثی معمولاً در توفان امواج حوادث دنیاگم می‌شود، از بین می‌رود، فراموش می‌شود. ده سال خیلی مدت کوتاهی است؛ اما در همین مدت پیغمبر اکرم توانست این نهال را غرس کند، آبیاری کند، وسیله رشد و نمو آن را فراهم کند؛ یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قلّه تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت.^۴

اگر این طور است چنین نیروهایی در چه مدرسه‌ای باید تربیت شوند تا بتوانند تمدنی نوینی را مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی و با توجه به چشم‌انداز ظهور، تأسیس نمایند؟ پاسخ آن، مدرسه مهدویت و انتظار است؛ زیرا از آموزه‌های این مدرسه آن است که خداوند امور خود در

۱. «به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند مگویید: تو مؤمن نیستی» (نساء: ۹۴).

۲. «بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربان‌اند» (فتح: ۲۹).

۳. پیام به کنگره عظیم حج، ۲۹/۱۰/۱۳۸۳.

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۹/۴/۱۳۹۰.

دنیا را براساس نظام اسباب و مسببات و نه صرف معجزه قرار داده است و حال که چنین است امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز نیازمند زمینه‌هایی است که از جمله آنها وجود یارانی کارآمد در سطح جهانی است و طبق تحلیل رهبر معظم انقلاب از حکومت مهدوی:

امام (صلوات الله علیه) می‌خواهد بیاید دنیا را اداره کند دیگر! همین دنیا را می‌خواهد اداره کند. ما که دستمان در کار است می‌دانیم که این دنیا را با ذکر و ورد، نمی‌شود اداره کرد. باید با قدرت و نیرو و تدبیر، مثل زمان پیغمبر (صلوات الله علیه) و مثل زمان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) اداره شود. اداره کردنی چنین، نیازمند افراد است و حضرت باید رجالی داشته باشد. منتها موانعی وجود دارد که حضرت آنها را از سر راه برمی‌دارد.^۱

آری! اگر ملت و حکومتی بخواهند که تمدن نوین اسلامی را ایجاد کرده و به رخ جهانیان بکشند باید از مسیر انتظار و فرهنگ مهدویت بگذرد و در این مکتب تربیت شود.

۶. توجه جدی به جوانان

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد برای ساختن تمدنی بزرگ علاوه بر جنبه‌های نظری آن، نیازمند افرادی توانا در این زمینه هستیم افرادی که در عین باور به استعدادها و امید به ایجاد تمدن اسلامی، جرأت و شجاعت ورود به این کار را داشته باشند و در میان نیروهای انسانی، جوانان هر کشور با ویژگی‌های برجسته شور و نشاط و قدرت جوانی و روحیه جسارت، بهترین گزینه برای انجام همه کارهای بزرگ و از جمله تمدن‌سازی هستند. علت توجه امام خامنه‌ای در همه سال‌هایی که مسئولیت‌های مختلفی در ایران اسلامی داشته‌اند به همین علت است؛ ایشان در یکی از بیانات خویش درباره جایگاه ویژه جوانان فرمودند:

جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است.^۲

همچنین در جمع دیگری از جوانان باور خویش را چنین بیان داشتند:

عقیده من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک، و همچنین جسارت، یعنی خط‌شکنی‌ها، که در جوان‌ها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمان‌ها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان‌ها در

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با آیت‌الله شاهرودی در قم، ۱۶/۲/۱۳۷۵.

۲. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۵/۸/۱۳۷۰.

زمینه دسترسی به آرمان‌ها و تحقق آرمان‌های انقلاب و آرمان‌های اسلامی، دارای مسئولیت‌های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند. هرکسی که در پی تحقق آرمان‌هاست، باید نقش جوان‌ها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوان‌ها را جدی می‌گیرم.^۱

ایشان حتی به همین نگاه راهبردی کلی به جوانان اکتفا نکرده و بلکه در موضوع ساخت تمدن نوین اسلامی به صورت خاص از جوانان دعوت نموده و فرمودند:

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم (ارواح‌نافداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۲

این همه توجه از سوی مقام معظم رهبری نشان‌گر جایگاه ویژه جوانان در ساخت تمدن اسلامی بوده و همه کسانی که دغدغه تمدن‌سازی دارند باید به این قشر تأثیرگذار جامعه توجه و برای آنها برنامه‌ریزی دقیقی در جهت رسیدن به این آرمان بلند داشته باشند و از آنان همانند دوران دفاع مقدس مجاهدان و مبارزانی بسازند که در میدان مقدس ایجاد تمدن اسلامی نیز حماسه آفرینی کنند؛ زیرا نه تنها به فرموده ایشان «حتی در حرکت انبیای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند».^۳

نهایت سخن آن‌که به خاطر همین جایگاه و توانایی‌های ویژه جوانان است که در فرهنگ مهدویت نیز به مقوله جوان اهمیت فراوانی داده شده به گونه‌ای که به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام:

أصحاب المهدی شباب لا کھول فیہم إلا مثل کحل العین والملح فی الزاد وأقل الزاد الملح؛
(طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۶)

یاران حضرت مهدی [اکثر] جوان هستند و از کهنسالان جز به مقدار سرمه در چشم و نمک در غذا که میزان آن کم است، یافت نمی‌شود.

بنابراین با این همه تأکیدها و ارزش‌گذاری‌هایی که بر مقوله جوان شده است، بجاست که

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.

۲. دیدار با ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۳. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۰/۸/۱۵.

تمامی جوانان ایران زمین کمر همت بسته و با پرورش در مدرسه انتظار، با کسب روحیه جهادی به سوی ساخت تمدن اسلامی زمینه‌ساز ظهور گام بردارند و یقین داشته باشند:

این جوان‌های مؤمن ماکه در میدان‌های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان (سلام‌الله‌علیه) را خرسند و خوشحال می‌کنند.^۱

نتیجه‌گیری

از بررسی مقایسه‌ای بین نظریه ساخت تمدن نوین اسلامی توسط حضرت امام خامنه‌ای با اندیشه‌های مهدوی ایشان، نکات بدیعی به دست می‌آید که موارد ذیل از جمله آنهاست:

۱. تمدن اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از جامعیت برخوردار بوده و پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی جامعه بشری است؛ همین نیاز از سویی و سرخوردگی از تمدن مادی غرب از سویی دیگر، ضرورت طرح ساخت تمدن نوین اسلامی از نظر امام خامنه‌ای را روشن می‌کند.

۲. ایجاد تمدن نوین اسلامی آرمان بزرگ انقلاب و نظام اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

۳. امام خامنه‌ای، مهدویت را چشم‌انداز و جهت حرکت انقلاب اسلامی می‌دانند.

۴. تلاش برای زمینه‌سازی ظهور از باورهای عمیق مقام معظم رهبری نسبت به مقوله مهدویت بوده و تلاش برای ساخت تمدن اسلامی را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد.

۵. ایشان مظهر کامل تمدن نوین اسلامی را در عصر ظهور و حکومت مهدوی می‌دانند.

۶. در اندیشه امام خامنه‌ای فرهنگ انتظار کارکردهای فراوانی دارد که از آنها می‌توان در راستای ایجاد تمدن اسلامی اسلامی نمود که برخی از آنها عبارت‌اند از: امید به تحقق تمدن اسلامی؛ جهاد و تلاش در مسیر تحقق تمدن اسلامی؛ اخلاص در جهاد و تلاش برای تمدن‌سازی؛ وحدت و هم‌دلی مردم و مسئولان؛ نیروسازی برای تمدن‌سازی و در نهایت توجه جدی به جوانان.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

منابع

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش)، *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة*، قم، انتشارات هجرت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۳۹۷ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیة.
- نرم افزار حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)، مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، KHAMENEI.IR
- نرم افزار صهبا؛ مجموعه بیانات مقام معظم رهبری از ۱۳۵۳ - ۱۳۹۱ (نسخه چهارم)، مؤسسه جهادی مرکز صهبا.